



سید جلال الدین آشتیانی
احیاگر برجستہ فلسفہ اسلامی

پری شاہمادی

اشاره:

سید جلال آشتیانی، حکمت را از بزرگانی چون علامه طباطبایی، حکیم رفیعی قزوینی و دیگر مشایخ، به درستی و عمیقاً فرا می‌گیرد، مسائل را به نیکوترین وجه می‌فهمد و تقریر می‌کند و بسیاری از غوامض و مشکلات فلسفی و عرفانی را رمزگشایی و تفسیر می‌کند؛ همدلانه با حکما و عرفا همراه می‌شود و جایی که درمی‌یابد آنها از حقیقت فاصله گرفته‌اند یا به درستی آن را شرح نکرده‌اند، از آنها فاصله گرفته و آنها را مورد نقد قرار می‌دهد؛ سید جلال، از اندیشمندان منتقدی است که در ترازوی نقدش، حب و بغض جایگاهی ندارد؛ او همانطوری که غزالی و ابن‌عربی را مورد انتقاد قرار می‌دهد، ابن‌سینا، سید حیدر آملی، مرحوم مجلسی و قاضی سعید قمی را نیز از نقد سازنده خویش بی‌بهره نمی‌گذارد. در این نوشتار، به‌طور اجمالی، به احوال، آثار و آرای انتقادی او در باب حکمت و عرفان اشاره می‌شود.

۱. زندگی علمی

در ۱۳۰۴ در قصبه آشتیان - که اکنون شهر شده است - از توابع سلطان آباد اراک به دنیا آمد. در پنج سالگی به مکتب خانه می‌رود و قرآن را در آنجا فرا می‌گیرد؛ به جهت هوش و ذکاوت و توانایی خواندن و نوشتن، دبستان را از کلاس سوم آغاز می‌کند. پس از پایان کلاس ششم در دبستان خاقانی روستای آشتیان، به مکتب خانه بازگشته و در آنجا گلستان سعدی، کلیله و دمنه، نصاب الصبیان، تاریخ معجم، جامع المقدمات و بخش‌هایی از دره نادری و شرح سیوطی ابن مالک را فرا می‌گیرد.^۱

ایشان به تشویق و راهنمایی و مساعدت روحانی آشتیان، مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی، در ۱۳۲۳ به قم عزیمت می‌کنند. در آنجا، شرح جامی، و باقیمانده شرح سیوطی را فرا می‌گیرد؛ مغنی و مطول را نزد مرحوم آیت‌الله صدوقی یزدی، بخش عمده‌ای از شرح لمعه را از شهید صدوقی و شرح شمسیه را نزد میرزا عبدالجواد عاملی اصفهانی فرا می‌گیرد.^۲ نزد حاج شیخ مهدی مازندرانی امیر کلاهی، کتاب‌های فلسفی همانند شرح منظومه حکیم سبزواری، قسمتی از امور عامه اسفار، بخش عمده‌ای از شوارق و مکاسب را فرا می‌گیرد. همچنین در این دوره کتاب‌هایی همچون قوانین، فصول، مسائل، و کفایه و شرح مطالع را می‌خواند.^۳

سید جلال الدین آشتیانی، دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی به مدت هشت سال فرا می‌گیرد. نیز به مدت یک سال از محضر آقا سید محمد تقی خوانساری بهره می‌برد.^۴

فیلسوف معاصر ما، در ۱۳۳۶ به نجف اشرف می‌رود و به مدت دو سال از اساتیدی چون سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی و میرزا حسن بجنوردی خراسانی بهره مند می‌شود. اما به علت کسالت شدید به ایران بازمی‌گردد و به مدت هشت سال از محضر قدسی حکیم الهی محمد حسین طباطبایی، استفاده می‌کند؛ الهیات شفاء، امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص اسفار، بخشی از تفسیر قرآن و یک دوره اصول فقه را خدمت آن عالم ربانی، می‌آموزد.^۵

پس از این دوره، ایشان به قزوین عزیمت کرده و از آیت‌الله میرزا ابوالحسن قزوینی معروف به رفیعی بهره می‌گیرد. همچنین به خواهش سید جلال، مرحوم قزوینی، مدت کوتاهی در قم، سفر نفس اسفار و درس خارج اصول را تدریس می‌کند. با بازگشت مرحوم قزوینی به قزوین، سید جلال، در ایام تابستان جهت ادامه درس و کسب فیض، به قزوین سفر می‌کرد.^۶

آشتیانی در ۱۳۳۸، پس از ارائه رساله خود با عنوان هستی از نظر فلسفه و عرفان، در دانشکده الهیات و معارف اسلامی در رشته فلسفه و تصوف مشغول تدریس شده و در آذر ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء می‌یابد. و در ۱۳۷۵، به اجبار بازنشسته می‌شود.

او، در ۱۳۶۳ به تدریس آثار فلسفی و عرفانی می‌پردازد؛ و کتاب‌هایی چون اشعة اللمعات جامی، شرح منظومه حکیم سبزواری، مقدمه قیصری بر شرح فصوص الحکم، مصباح الهدایه و شرح دعای سحر حضرت امام خمینی(ره)، اسفار مالاصدرا، شرح فصوص الحکم قیصری، مصباح الانس و الشواهد الربوبیه را تدریس می‌کند.^۷ سرانجام، در سن هشتاد سالگی، در فروردین ۱۳۸۴، چشم از جهان فانی فرو می‌بندد.

۲. آثار

فضای سرد و بی‌روح دانشگاه در حوزه پژوهش، روحیه حقیقت طلب آشتیانی را سیراب نمی‌کند. از این‌رو او در کنار درس و بحث مرسوم، به احیاء آثار فلسفی و عرفانی پیشینیان پرداخته^۸ و در این راستا منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران در ۴ جلد و دیگر آثار حکمی را تصحیح نموده است. افزون بر تصحیح و تحقیق آثار، کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی را به نگارش در می‌آورد. برخی از آثار ایشان عبارتند از:



الف. آثار تالیفی:

۱. هستی از نظر فلسفه و عرفان: حکیم ابوالحسن رفیعی قزوینی در تقریظ خویش بر این اثر، آن را بهترین کتاب درباره وجود معرفی کرده است و در آن تصریح نموده که مؤلف آن بسیاری از مباحث مشکل را به بهترین شیوه، تحقیق و تبیین کرده است و در مقام رد و نقد قاصران، دقیقه‌ای از ذکر حقیقت فروگذار نکرده است و در پایان می‌نویسد بر طالبین حقیقت لازم است که کتاب مذکور را قدر وافی نموده و در استفاده از تحقیقات آن غفلت نورزند.^۹

۲. نقد تهافت الفلاسفه

۳. شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا

۴. شرح مقدمه قیصری

ب. تصحیح و تحقیق آثار:^{۱۰}

۵. تصحیح و تحقیق رسائل فلسفی ملاصدرا

۶. تصحیح و تحقیق المشاعر ملاصدرا

۷. تصحیح و تحقیق المسائل القدسیة ملاصدرا

۸. تصحیح و تحقیق المبدأ و المعاد ملاصدرا

۹. تصحیح و تحقیق الشواهد الربوبیه ملاصدرا

۱۰. تصحیح و تحقیق المظاهر الالهیه ملاصدرا

۱۱. تصحیح شرح بر زاد المسافر

۱۲. تصحیح و تحقیق مجموعه رسائل حکیم سبزواری

۱۳. تصحیح و تحقیق شرح فصوص الحکم جندی

۱۴. تصحیح و تحقیق شرح فصوص الحکم قیصری

۱۵. تصحیح و تحقیق تمهید القواعد

۱۶. تصحیح و تحقیق تحفه المراد (شرح قصیده میر فندرسکی)

۱۷. تصحیح و تحقیق لمعات الهیه زنوزی

۱۸. تصحیح و تحقیق مشارق الدراری فرغانی

۱۹. تصحیح و تحقیق رساله نصوص قانونی

۲۰. تصحیح و تحقیق رساله وحدت وجود ملا علی نوری

۲۱. تصحیح و تحقیق رساله بسیط الحقیقه کل الاشیاء ملا علی نوری

۲۲. تصحیح و تحقیق رسائل قیصری

۲۳. تصحیح و تحقیق رساله نوریه در عالم مثال حکیم بهایی لاهیجی

۲۴. تصحیح و تحقیق تحفه در مباحث علم تالیف ملا نظر علی گیلانی

۲۵. تصحیح و تحقیق انوار جلیه ملاعبدالله زنوزی

۲۶. تصحیح و تحقیق اللمعات الالهیه و الکلمات الوجیزة ملا احمد نراقی

۲۷. تصحیح و تحقیق اثولوجیا با تعلیقات قاضی سعید قمی

۲۸. تصحیح و تحقیق رساله وحدت وجود و بداء سید محمد کاظم عصار

۲۹. مقدمه تفصیلی بر مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية حضرت امام خمینی (ره)





۳. آرای انتقادی

سید جلال، از ابن عربی به اکابر ارباب عرفان، بزرگ ترین عارف در تصوف نظری و از نوادر عرفان عملی یاد می‌کند. همچنین ابن عربی، صدرالدین قونوی و بسیاری از اکابر اهل حقیقت و طریقت را در محور ولایت، علوی‌المشرب و مهدی‌المشهد می‌داند؛ چنان که ابن عربی در رساله سر المکنون می‌گوید: «الولاية محمدی‌المحتد و علوی‌المشهد»^{۱۱} با وجود این، او هرگز ابن عربی را معصوم ندانسته و در پاره‌ای موارد از او انتقاد می‌کند. او در این باره می‌نویسد: «یک عیب اساسی در کار اتباع ابن عربی آن است که چشم بسته آنچه مرشد آنها نوشته است، قبول کرده‌اند، از جمله در فص اسحاقی، شیخ بر خلاف ظواهر کتاب و سنت، بلکه نص صریح، اسحاق را ذبیح دانسته است. اتباع او عذر آورده‌اند که الشیخ (رض) معذور فیما ذهب الیه لانه به مامور، حال آنکه قواعد شرعی و عقلی بر عصمت شیخ از اشتباه، وجود ندارد»^{۱۲}.

سید حیدر آملی، از عارفان شیعی قرن هشتم، در آثار متعدد خود از جمله جامع الاسرار و المحيط الاعظم، به تفصیل، آرای ابن عربی در باب خاتم الاولیاء را مورد نقد قرار می‌دهد. به این بیان که او معتقد است ابن عربی، حضرت عیسی (ع) را خاتم الاولیاء مطلق و خود را خاتم الاولیاء مقید می‌داند. در حالی که نزد شیعه، امام علی (ع)، خاتم الاولیاء مطلق و امام مهدی (عج)، خاتم الاولیاء مقید است. اما استاد آشتیانی، قرائت سید حیدر از ابن عربی را نپذیرفته و معتقد است سید حیدر و دیگر شارحان ابن عربی، عباراتی از فتوحات را که در آن ابن عربی، حضرت عیسی (ع) را خاتم ولایت عامه موروثه از انبیاء پیش از خود معرفی می‌کند، ندیده‌اند. و در جایی ابن عربی می‌نویسد «و اما الختم الولاية المحمدية هو الختم الخاص لولاية امه محمد الطاهرة فيدخل في حكم ختميته عيسى (ع) و غیره کالیاس و خضر» همچنین ایشان به گزارش از آقا محمد رضا قمشهای می‌گویند: «ابن عربی به حسب ولایت، تابع ولی مطلق علوی و مهدوی است. از این رو ولایت او با واسطه است به نحوی که خود در مقدمه فصوص گفته ولایت او مقیده است. همچنین او در این باره معتقد است به عقیده ابن عربی، حضرت علی (ع) خاتم اکبر، حضرت مهدی (ع) خاتم کبری، حضرت عیسی (ع) خاتم صغری و شخص ابن عربی، خاتم اصغر است. اما ختمیت ابن عربی موروث از خاتم ولایت محمدیه نیست»^{۱۳}.

از دیگر عالمانی که آشتیانی، عقایدش را مورد نقد قرار می‌دهد مرحوم مجلسی (ره) است؛ سید جلال، همان طوری که غزالی را نماینده واقعی اسلام نمی‌داند، علامه مجلسی را نماینده تام‌الاختیار شیعه تلقی نمی‌کند. ایشان بر خلاف استاد خویش مرحوم رفیعی (ره) که انکار تجرد ممکنات و انحصار تجرد در خدا را از سوی مرحوم مجلسی، به تنزیه خدا از تعلق به غیر، تأویل می‌کند^{۱۴}، معتقد است آنچه مرحوم مجلسی در باب تجرد نفس و عوالم ملکوتی بیان کرده است، با اساس ولایت کلیه، نبوت و وحی سازش ندارد؛ و بنابر آرای اهل معرفت از نفوس صاحبان ولایت کلیه و خاتم انبیا و خاتم اولیا، نفوس آنها نمی‌تواند جسم برزخی و جسم لطیف و احیاناً مادی باشد، و اساساً انکار تجرد نفس با معاد ناسازگار است. افزون بر آن، آشتیانی معتقد است تجرد و بقای روح مورد اتفاق شرایع سماویه است و اهل بیت (ع) در این مسئله بسیار متصلبانند. همچنین او، در باب تجرد ملائکه و نفوس ناطقه، آیات و روایاتی را نقل می‌نماید^{۱۵}.

به عقیده سید جلال، بسیاری از متمسکان به حدیث، بویی از توحید افعالی، به مشام جانشان نرسیده است و تفویضی و معتزلی صرف بوده و قائل به تنزیه صرف هستند؛ و در این راستا یا معرفت به حق ندارند یا نسبت به حق، ادب را مراعات نمی‌کنند. در حالی که برپایه توحید افعالی اهل معرفت، حق تعالی با همه موجودات از طریق خاص (قرب وریدی) و وجه عام (سلسله علل) معیت قیومیه دارد و فعل صادر از هر شیء، در عین آن که فعل آن شیء است، فعل حق است و در مظاهر تفصیلی جهات کمالیه، هم به حق و خالق وهم به بنده و مخلوق مستند است^{۱۶}.

نیکلسون، براین عقیده است که وحدت وجود از خصائص تصوف اسلامی نبوده و صوفیه اسلام از آغاز ظهور تصوف تا قرن سوم هجری به وحدت وجود قائل نبودند، بعد از قرن سوم این عقیده ظاهر شد و اساساً وحدت وجود از اختصاصات ابن عربی است. اما آشتیانی، به شدت از این عقیده انتقاد کرده است و بیان می‌کند که اعتقاد به وحدت وجود، به معنای حقیقی



جامع تنزیه و تشبیه، از عقاید عرفایی چون حلاج و بایزید بوده است و ابن عربی نیز شواهد زیادی بر وحدت وجود از عرفای دیگر نقل می‌کند و معتقد است فناء در توحید و رجوع حقایق خلایق به اصل وحدت که مدلول صریح آیات قرآنی است با تباین خلق و حق امکان ندارد. افزون بر آن بر این عقیده است که قرآن در آیه «و ما امرنا الا واحدة» به وحدت فعل حق اشاره کرده است، و وحدت فعل مبتنی بر وحدت وجود است.^{۱۷}

آشتیانی معتقد است قاضی سعید قمی، برخی از مبانی و مسائل محوری فلسفه صدرایی از جمله، حرکت جوهری را انکار کرده و در مجرد قوه خیال را به درستی دقت و تعمق نکرده است، و در آثار قاضی سعید، افکار متناقض، فراوان است. او، در بیان توضیح عبارتی از ملاصدرا، می‌گوید: قاضی سعید کلمات آخوند ملاصدرا را مس نموده است؛ و معتقد است اشکالات قاضی سعید بر ملاصدرا، همان اشکالات استاد قاضی سعید، ملا رجبعلی، است. سید جلال، در مقدمه کتاب اتولوجیه بخشی از آرای قاضی سعید را مورد انتقاد قرار می‌دهد.^{۱۸}

گفتنی است سید جلال، در کتابی با عنوان نقد تهاافت الفلاسفه غزالی را به تفصیل مورد نقد قرار می‌دهد. همچنین در مقدمه اش بر کتاب المبدأ و المعاد ملاصدرا، آرای آقا علی مدرس در باب معاد را نقد کرده و اشکالات آقا علی حکیم بر ملاصدرا را پاسخ داده است.^{۱۹}

از دیگر ویژگی‌های مرحوم آشتیانی، تلاش در تبیین سازگاری آرای ملاصدرا است، که در ادامه به نمونه ای از آن اشاره می‌شود:

به نظر آشتیانی، آخوند ملاصدرا، در نحوه ادراک صور کلی و نیز نحوه حصول این صور در نفس عاقل و مدرک کلیات، بحسب صوری و ظاهری، مختلف سخن گفته است؛ گاهی تعقل را به مشاهده ارباب انواع و عقل مجرد از ماده می‌داند و در موضعی، ملاک ادراک کلی را به خلاقیت و در مواردی به اتحاد با عقل فعال یا ارباب انواع دانسته است و گاهی صور کلی را رشح عقل مجرد قدس می‌داند و نیز در برخی از موارد، ملاک درک کلی را اتحاد نفس با صورت مجرد عاری از ماده می‌داند و گاهی گفته است: صور کلی، عین اضافه اشراقی و عین تجلی و ظهور نفس است و نیز گفته‌اند: صور علمیه، عین اضافه و یک نحو، معنای اضافی به شمار می‌رود. اما او معتقد است به حسب معنا و حقیقت، کلیه تعبیرات ملاصدرا، به جهت وجود اعتبارات مختلف در نفس و نحوه ادراکات او و مراحل مختلف ادراک می‌باشد. بنابراین در معنا، عبارات مختلف در مقابل معنای واحد است. چنان که نفس در مقام ادراک معقولات و متخیلات در اوائل ادراک به فاعل از قابل شبیه‌تر است و پس از تکامل جوهری و دوری از ماده و احکام آن، فاعل تام الوجود نسبت به ادراکات خود می‌گردد و در غایت استکمال در قوس صعودی، متحد با معقولات و متحد با عقل مجرد و به اعتبار قوس نزولی حاصل در عالم نفس، خلاق صور تفصیلی می‌شود.^{۲۰}

منابع:

آشتیانی، سید جلال؛ هستی از نظر فلسفه و عرفان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶.
آشتیانی، سید جلال، ختم ولایت در اندیشه ابن عربی، در حکمت و معرفت، به کوشش حسن جمشیدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

همو، پاسخ به چند سوال در جلال حکمت و عرفان، به اهتمام محمد جواد صاحبی، قم، نشر احیا گران، ۱۳۸۴.
همو، پیرامون نقد تهاافت غزالی در جلال حکمت و عرفان، به اهتمام محمد جواد صاحبی، قم، نشر احیا گران، ۱۳۸۴.
افلوطن، اتولوجیه ترجمه ابن ناعمه حمصی، با تعلیقات قاضی سعید قمی، تصحیح و مقدمه سید جلال آشتیانی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۹۸ ق.

بهایی لاهیجی، رساله نوریه در عالم مثال، تصحیح و تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۵۲.

جمشیدی، حسن، گنج پنهان فلسفه و عرفان در شریعه شهود، به کوشش عبدالحسی خسرو پناه، تهران، پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۵.

- رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، تصحیح و مقدمه غلامحسین رضانزاد (نوشین)، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶
- سبزواری، ملاحادی، رسائل حکیم سبزواری، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۰.
- شیرازی، صدر الدین، المبدأ و المعاد، تصحیح و تحقیق سید جلال آشتیانی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۴.
- قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

پی‌نوشت

۱. جمشیدی، حسن، گنج پنهان فلسفه و عرفان در شریعه شهود، به کوشش عبدالحسی خسرو پناه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۵، صص ۳۱-۳۰.
۲. همان، صص ۳۳-۳۲.
۳. همان، صص ۳۴-۳۳.
۴. همان، صص ۳۴.
۵. همان، صص ۳۶-۳۵.
۶. همان، صص ۳۶-۳۵.
۷. همان، صص ۳۹-۳۶.
۸. همان، صص ۳۸-۳۷.
۹. آشتیانی، سید جلال هستی از نظر فلسفه و عرفان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶، ص ۹.
۱۰. از ویژگی‌های عمده این بخش، مقدمات تفصیلی است که برخی از آنها خود قابلیت آن را دارد که به صورت کتاب‌های مستقلی چاپ شوند.
۱۱. آشتیانی، سید جلال، ختم ولایت در اندیشه ابن عربی، در حکمت و معرفت، به کوشش حسن جمشیدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹؛ قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، مقدمه آشتیانی، ص شش.
۱۲. قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، مقدمه آشتیانی، ص یازده - دوازده.
۱۳. آشتیانی، سید جلال، ختم ولایت در اندیشه ابن عربی، در حکمت و معرفت، به کوشش حسن جمشیدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۵ - ۱۷۴ و پانویس ۱۷۴.
۱۴. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، تصحیح و مقدمه غلامحسین رضانزاد (نوشین)، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۹۱.
۱۵. آشتیانی، سید جلال الدین، پیرامون نقد تهافت غزالی در جلال حکمت و عرفان، به اهتمام محمد جواد صاحبی، قم، نشر احیا گران، ۱۳۸۴، صص ۱۸۰ - ۱۶۲، ۲۰۱.
۱۶. آشتیانی، سید جلال الدین، پیرامون نقد تهافت غزالی در جلال حکمت و عرفان، به اهتمام محمد جواد صاحبی، قم، نشر احیا گران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷.
۱۷. سبزواری، ملاحادی، رسائل حکیم سبزواری، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۰، صص ۱۷۴-۱۷۱.
۱۸. افلوطین، اتولوجید ترجمه ابن‌ناعمه حمصی، با تعلیقات قاضی سعید قمی، تصحیح و مقدمه سید جلال آشتیانی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۹۸، صص ۱۰ - ۵.
۱۹. شیرازی، صدرالدین، المبدأ و المعاد، تصحیح و تحقیق سید جلال آشتیانی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۴. مقدمه آشتیانی، ص ۸۷-۷۷.
۲۰. بهایی لاهیجی، رساله نوریه در عالم مثال، تصحیح و تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۶۱ و پانویس آن.